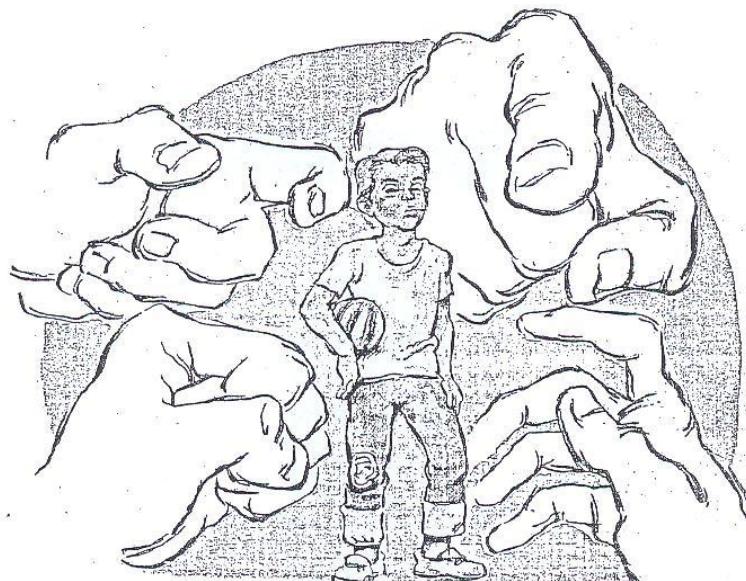


# والدین و انکه در ارتساط مانو چو انان



## دوم: والدینی که اشتباها خود را نمی پذیرند

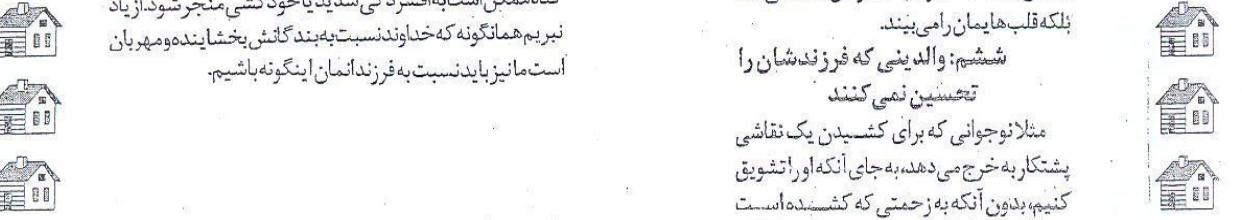
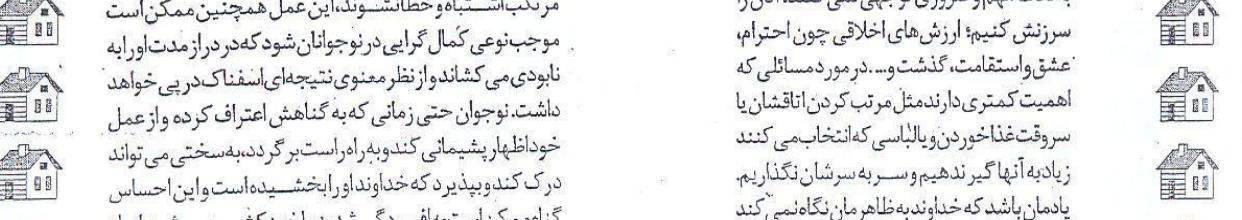
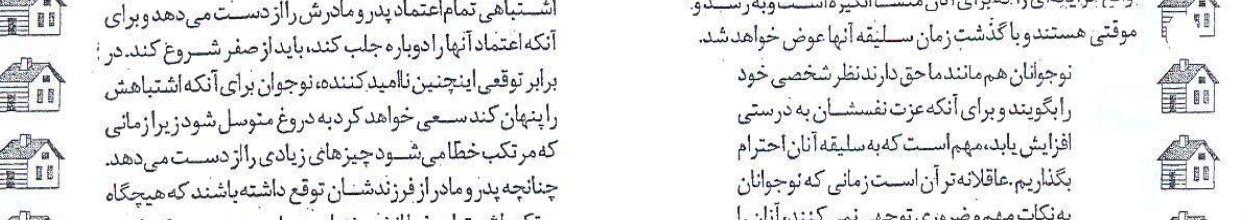
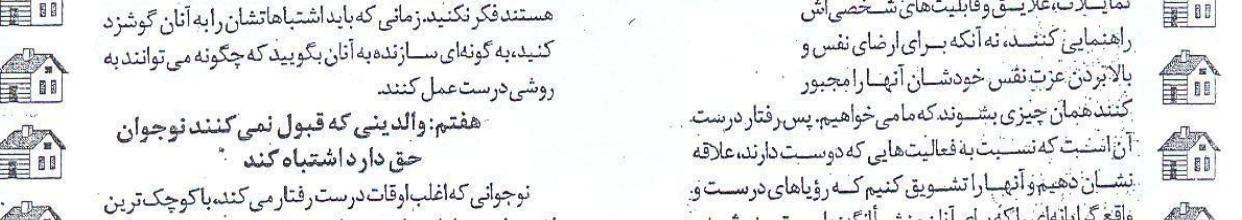
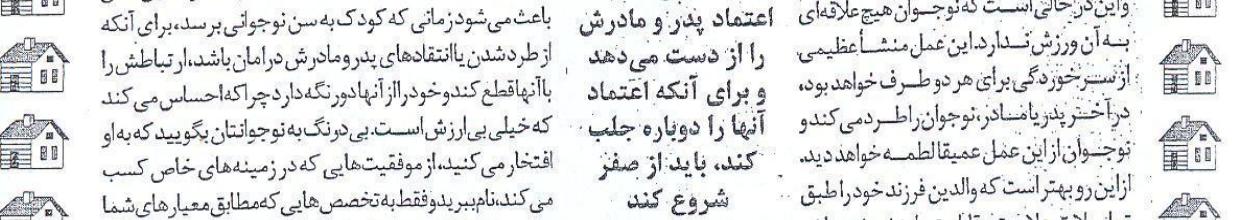
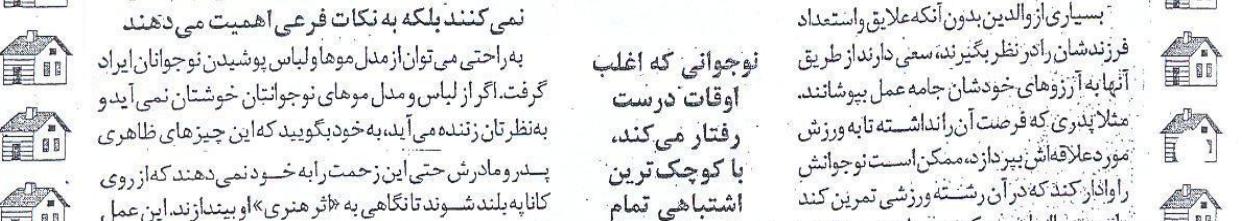
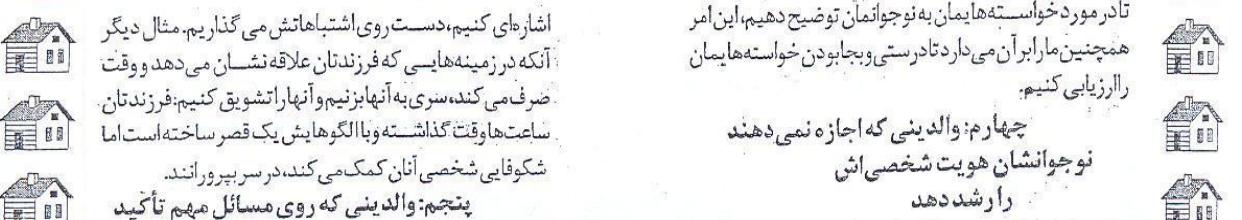
همانطور که قبل اخاطر نشان کردیم، والدین باید همانند الگویی منسجم عمل کنند و حرف و عملشان یکی باشد اما از آنجایی که همه انسان هادچار خطوا شتابه ای می شوند، غیر ممکن است تصور کنیم که می توان همواره منسجم ماند، ازین زواید آن قدر فروتن باشیم تا اشتباها خود را بشناسیم و زمانی که در شرایطی کاملاً معین دچار لغزش شدیم و به حرفری که زده ایم عمل نکردیم، به اشتباخه خود نزد تو جوانمان اعتراض کنیم، تو جوانمان بسیار تیزبین هستند و متوجه اشتباها ماخواهند بیناین سعی نکنیم آن را تکمن کرده باخود را بر تبره کنیم، اعتراض به ضعفها و اشتباها و عذرخواهی، چیزی از اعتبار و آبرویمان که نمی کنند بلکه بر عکس ابراز ضعف ها همراه با صداقت و فروتنی موجب می شود تا نوجوانانمان به ماحترام بگذارند.

## سوم: والد یعنی که به پرسش های درست نوجوانانمان پاسخ دهد

برای آنکه توضیح دهیم چه انتظاراتی از آنان داریم، به جای آنکه سرشان را بزنید و بدون هیچ توضیحی بگویید «چون که من اینو گفتم!»، استحقاق آن را دارند که جوابی واضح و منطقی بشنوند، این گونه پاسخ آمرانه که برای توضیح آن هیچ گونه تلاشی صورت نمی گیرد، منجر به بغض و کینه خواهد شد و مطمئناً موجب می شود که نوجوانان در این دوران رویشان به شما بار شود و عنالاً شما سر پیچی کنند، زمانی که خود را ملزم می کنیم

توجو ای دورانی است که می توان از آن هراس داشت یا آن را به خوبی پشت سر گذاشت، طی این دوران همه چیز افزاد عوض می شود، بدنشان، ارزش هایشان و تصویر ذهنی که نسبت به خود در لذت نوجوان دیگر داش نمی خواهد که بالا مثل یک کودک رفتار کنند، از طرفی نسبت به آینده هم احساس نامنی می کند، این احساس در برخی از نوجوانان موجب سرخوردگی، گوشه گیری، خشم و عزت نفس پایین می شود و این اطراف این او هستند که باید عواقب رفتارهای اورا تحمل کنند، رفتار والدین می تواند شرایط را بدتر کند، در اینجا برسی ۱۰ اشتباخ را بیچاره که والدین مرتکب می شوند می پذیرد،

**اول: والدینی که حرف و عملشان یکی نیست** والدینی منسجم براي نوجوانانشان فیستند کاری را که می گوییم انجام بده اما کاری را که من می کنم، انجام نده، با این عمل قطبان نوجوان به هیچ عنوان حرف های بدرو مادرش را بورنمی کند، زمانی که در خانه هستید، تلفن خانه به صدادر می آید و فرزندتان به شمامی گوید که فردی پای تلفن با شما کار دارد، از اوصی خواهید بگویید که در خانه نیستید، در حالی که همیشه به او می گویید که دروغ گفتن کاردستی نیست، در مورده سیگار کشیدن برایش موضعه نکنید در حالی که خود تان در حال سیگار کشیدن هستید، نوجوان در مورده عدالت از قوه دار ای بسیار بالایی برخوردارند و به سرعت یکی نبودن کلام و عملتان را تشخیص می دهند، با عمل، خیلی بیشتر از کلام می توانید به آنها آموزش دهید، باید به جای تحقیر و توهین، عشق و به جای شک و دودنی، ایمان و توکل و به جای خساست، سخاوتمندی را به آنها نشان دهیم،



اشاره‌ای کنیم، دست روی اشتباهاتش می‌گذاریم، مثال دیگر آنکه در زمینه‌هایی که فرزندان علاقه‌نشان می‌دهد وقت صرف می‌کند، سری به آهابزیم و آنها را تشویق کنیم: فرزندان ساعت‌ها وقت گذاشته و بالگوهایش یک قصر ساخته است اما شکوفایی شخصی آنان کمک کند در سرپرورانند.

**پنجم: والدینی که روی مسائل مهم تأکید نمی‌کنند بلکه به نکات فرعی اهمیت می‌دهند**  
به راحتی می‌توان از مدل موها و لباس پوشیدن نوجوانان ایراد گرفت. اگر از لباس و مدل موهای نوجوانان خوشتان نمی‌اید و به نظرتان زننده می‌اید، به خود بگویید که این چیزهای ظاهری پس در و مادرش حتی این زحمت را به خود نمی‌دهند که از روی کاتاپله بلند شوند تا نگاهی به «اثر هنری» او بیندازند. این عمل باعث می‌شود زمانی که کودک به سن نوجوانی برسد، برای آنکه از طرد شدن یا تقدیم‌های پدر و مادرش درامان باشد، ارتباط شرایا با آنها قطع کند و خود را آنها دور نگه دارد چرا که احساس می‌کند که خیلی بی ارزش است. بی درنگ به نوجوانان بگویید که به او افتخار می‌کنید، از مفهیت‌هایی که در زمینه‌های خاص کسب می‌کند تا پیرید و فقط به تخصص‌هایی که مطابق معیارهای شما مستند فکر نکنید. زمانی که باید اشتباهاتش را به آنان گوشزد کنید، به گونه‌ای سازنده به آن بگویید که چگونه می‌تواند به روشی درست عمل کنند.

**هفتم: والدینی که قبول نمی‌کنند نوجوان حق دارد اشتباه کند**

نوجوانی که اغلب اوقات درست رفتار می‌کنند با کوچک‌ترین اشتباهی تمام اعتماد پدر و مادرش را از دست می‌دهد و براي ایشان آنکه اشتباه را برای تو قوی اینجنتین نامید کنند، نوجوان براي آنکه اشتباهش را پنهان کند سعی خواهد کرد به دروغ متول شود زیرا مانی که هر تک خطایم شود چیزهای زیادی را از دست می‌دهد. چنانچه پدر و مادر از فرزندشان توقع داشته باشند که هیچگاه مرتكب اشتباه و خطاشوند، این عمل همچنین ممکن است موجب نوعی کمال گرایی در نوجوانان شود که در دراز مدت اورا به نایودی می‌کشند و از نظر معنوی نشیجه‌ای اسفنک دری خواهد داشت. نوجوان حتی زمانی که به گناهش اعتراف کرده و از عمل خود اظهار بشیمانی کند و به راست برگرد، به سختی می‌تواند در ک کند و پندرد که خداوندان را بخشیده است و این احساس گناه ممکن است به افسردگی شدید خود کشی منجر شود از این نبریم همان‌گونه که خداوند نسبت به بند گاش بخشایند و مهریان است مانیز باید نسبت به فرزندانمان اینگوئه باشیم.

تادر مورد خواسته‌هایمان به نوجوانان توضیح دهیم، این امر همچنین ما را برآن می‌دارد تا درستی و بجا بودن خواسته‌هایمان را رازیابی کنیم.

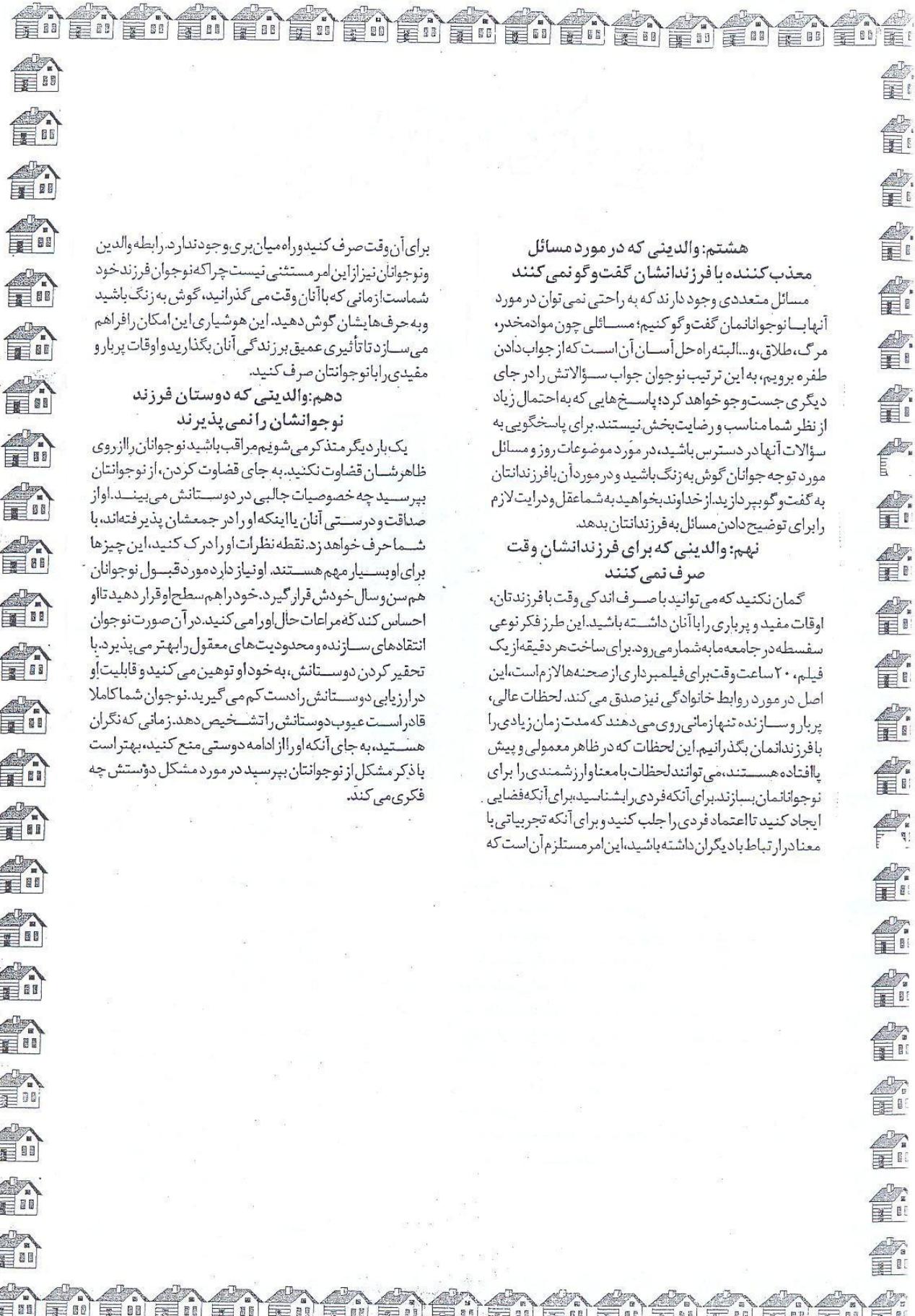
**چهارم: والدینی که اجازه نمی‌دهند نوجوانشان هویت شخصی اش را درشد**

بسیاری از والدین بدون آنکه علاجی و استعداد فرزندشان را در نظر بگیرند نسیع دارند از طرق آنها به آرزوهای خودشان جامه عمل بپوشانند. مثلاً پدری که فرحت آن را نداشته تا به ورزش موردعلاقه‌اش بپردازد ممکن است نوجوانش را واذر کند که در آن رشته ورزشی تمرین کند و این در حالی است که نوجوان هیچ علاجی‌ای به آن ورزش تدارد. این عمل منشاء‌اعظمی از سرخوردگی برای هر دو طرف خواهد بود، در آخر پدر را مادر نوجوان را طرد می‌کند و نوجوان از این عمل عقیقالطمeh خواهد دید. از این رو بهتر است که والدین فرزند خود را طبق تمایلات، علایق و قابلیت‌های شخصی اش را همنابی کنند، نه آنکه برای ارضی نفس و بالا بردن عزت نفس خودشان آنها را مجبور کنند همان جیزی بشوند که مامی خواهیم، پس رفتار درست آن است. که نسبت به فعالیت‌هایی که دوست دارند، علاقه نشان دهم و آنها را تشویق کنیم که رؤیاهای درست و واقع گرایانه‌ای را که برای آنان منشأ انجیه است و به رشد و موقعی هستند و با گذشت زمان سلیقه آنها عوض خواهد شد.

نوجوانان هم مانند ما حق دارند نظر شخصی خود را بگویند و برای آنکه عزت نفسشان به درستی افزایش باید، مهم است که به سلیقه آنان احترام بگذاریم. عاقلانه تر آن است زمانی که نوجوانان به نکات مهم و ضروری توجهی نمی‌کنند، آنان را سرزنش کنیم؛ ارزش‌های اخلاقی چون احترام، عشق و استقامت، گذشت و در مردم مسائبی که اهمیت کمتری دارند مثل مرتب کردن اتاقشان یا سروقت غذائخوردن و یا پیاسی که انتخاب می‌کنند زیاده آنها گردد هم و سرمه سرشان نگذاریم. یادمان باشد که خداوند به ظاهرمان نگذاریم، بلکه قلب‌هایمان را می‌پند.

**ششم: والدینی که فرزندشان را تحشیین نمی‌کنند**

مثل نوجوانی که برای کشیدن یک نقاشی پشتکار به خرج می‌دهد، به جای آنکه اورا تشویق کنیم، بدون آنکه به زحمتی که کشیده است



برای آن وقت صرف کنید و راه میان بری و حود ندارد. رابطه والدین  
و نوجوانان نیز از این امر مستثنی نیست چرا که نوجوان فرزند خود  
شمامست ازمانی که با آنان وقت می گذرانید، گوش به زنگ پاشید  
وبه حرفا های شان گوش دهد. این هوشیاری این امکان را فراهم  
می سازد تا تأثیری عمیق برسنگی آنان پذیرید و اوقات پربار و  
مفیدی را بانجوانان صرف کنید.

**دهم: والدینی که دوستان فرزند**  
**نوجوانان را نمی پذیرند**

یک بار دیگر متذکرمی شویم مراقب باشید نو جوانان را زروی  
ظاهرشان قضاو نکنید. به جای قضاو کردن، از نوجوانان  
پرسید چه خصوصیات جالبی در دوستانشان می بینند. او از  
صدق و درستی آنان باینکه اورادر جمع شان پذیرفته اند، با  
شمایر خواهد زد. نقطه نظرات اورادر ک نکید، این چیزها  
برای او بسیار مهم هستند. او نیاز دارد مورد مطلع نو جوانان  
هم سن و سال خودش قرار گیرد. خود را هم سطح او قرار دهید تا او  
احساس کند که مراتعات حال اورامی کنید. در آن صورت نو جوان  
انتقادهای سازنده و محدودیت های معقول را بهتر می پذیرد. یا  
تحقیر کردن دوستانش، به خود او توهین می کنید و قابلیت او  
در ارزیابی دوستانش را دست کم می گیرد. نو جوان شما کاملا  
 قادر است عیوب دوستانش را تشخیص دهد. زمانی که نگران  
هستید، به جای آنکه اورادر ادامه دوستی منع کنید، بهتر است  
با ذکر مشکل از نوجوانان پرسید در مورد مشکل دوستش چه  
فکری می کنند.

### هشتم: والدینی که در مورد مسائل

محذب کننده با فرزندانشان گفت و گو نمی کنند  
مسائل متعددی وجود دارند که به راحتی نمی توان در مورد  
آنها بانجوانانمان گفت و گو کیم؛ مسائلی چون مواد مخدوش،  
مرگ، طلاق، و... لیته راه حل آسان آن است که از جواب دادن  
طفره برویم، به این ترتیب نو جوان جواب سؤالاتش را در جای  
دیگری جست و جو خواهد کرد؛ پاسخ هایی که به احتمال زیاد  
از نظر شما مناسب و رضایت بخش نیستند، برای پاسخگویی به  
سؤالات آنها در دسترس باشید، در مورد موضوعات روز و مسائل  
مورد توجه نو جوان گوش به زنگ باشید و در مورد آن با فرزندانشان  
به گفت و گو بپردازید. از خداوند بخواهید به شما عقل و درایت لازم  
را برای توضیح دادن مسائل بفرزندانشان بدهد.

**نهم: والدینی که برای فرزندانشان وقت**  
**صرف نمی کنند**

گمان نکنید که می توانید با صرف اندکی وقت با فرزندتان،  
وقایت مفید و پرباری را بآنان داشته باشید. این طرز فکر نوعی  
سفسطه در جامعه مابه شمار می رود. برای ساخته هر دقیقه از یک  
فیلم، ۰۲ ساعت وقت برای فیلمبرداری از صحنه های لازم است، این  
اصل در مورد روابط خانوادگی نیز صدق می کند. لحظات عالی،  
پربار و سازنده تنها مانی روی می دهند که مدت زمان زیادی را  
با فرزندانمان بگذرانیم. این لحظات که در ظاهر معمولی و پیش  
پا افتاده هستند، فی توائند لحظات بامعنای ارزشمندی را برای  
نو جوانانمان سازند. برای آنکه فردی را بشناسید، برای آنکه فضایی  
ایجاد کنید تا اعتماد فردی را جلب کنید و برای آنکه تجربیاتی با  
معنادر ارتباط باد دیگران داشته باشید، این امر مستلزم آن است که